

شهر بصره عراق و رخداد ظهور

محمد رحمانی^۱

چکیده

از جمله موضوعات مهم در باب مهدویت، شناخت اماکن و شهرهایی است که به نحوی با آموزه‌های مهدوی در ارتباط هستند. شهر «بصره» در کشور عراق، از جمله این اماکن محسوب می‌شود که طبق روایات شیعه و سنی، محل وقوع حوادث مهمی در آخرالزمان خواهد بود. در این نوشتار با استفاده از شیوه «توصیفی - تحلیلی» و با جمع‌آوری مطالب به روش «کتابخانه‌ای» ضمن اشاره به تاریخچه شهر بصره، احادیث مربوط به نقش بصره در حوادث آخرالزمان مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: مهدویت، بصره، سفیانی، دجال، آخر الزمان.

مقدمه

«عراق» از جمله مناطقی است که در آخر الزمان محل وقوع حوادث و وقایع زیادی است که از آن‌ها به «علائم الظهور» تعبیر شده و شهر بصره از شهرهای مهم عراق است که به لحاظ تاریخی از اهمیتی خاص برخوردار بوده است. وجود مکان‌های تاریخی و مساجد قدیمی و مرقد برخی از صحابه در این شهر، بصره را مورد توجه قشرهای مختلف مردم، به خصوص جهانگردان قرار داده است. با توجه به روایات شیعه و سنی، بصره در حوادث زمان ظهور و آخرالزمان نقش مهمی ایفا می‌کند. بسیاری از حوادث مرتبط با ظهور امام مهدی علیه السلام در این شهر واقع می‌شود. در مورد پیشینه این بحث باید گفت آقای عبد الرسول زین الدین در کتاب «معجم البلدان عصر الظهور» روایات بصره را بدون بحث از سند و دلالت آن‌ها، جمع آوری کرده و آقای مرتضی خلیلی راد نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی روایات علائم ظهور بصره» که در دومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه به چاپ رسیده است، به بررسی روایاتی پرداخته که در بردارنده نشانه‌های ظهور در منطقه بصره است. در این نوشتار با تاریخچه تاسیس و موقعیت جغرافیایی شهر بصره و نقش آن در حوادث آخرالزمان با توجه به روایات فریقین، بیش‌تر آشنا می‌شویم.

بصره

شهر «بصره» در محل ایرانی‌نشینی به نام وَهْستاباذ اردشیر بنا شده؛^۱ اما شهر اسلامی جدیدالتأسیس است. بصره پیش از تأسیس، پایگاه یا اردوگاه نظامی مرزداران ایران در زمان ساسانیان بوده است.^۲

۱. محمد بن محمد مرتضی الزبیدی، تاج العروس، ذیل بصر.

۲. احمد بن فقیه، مختصر کتاب البلدان، ص ۱۷۳.

موقعیت جغرافیایی بصره

استان بصره، در جنوب شرقی عراق، واقع است و از سمت شمال، با استان‌های میسان و ذی‌قار و از سمت غرب، با استان مثنی همجوار است. از سمت شرق نیز با ایران و اروندرود (شط العرب) و از سمت جنوب، با کویت دارای مرز است و ساحل اندکی نیز با خلیج فارس دارد.^۱ شهر بصره که مرکز این استان است، مهم‌ترین شهر جنوب عراق و در واقع تنها بندر این کشور به شمار می‌آید. این شهر، کنار شط العرب (اروندرود)، در فاصله ۴۲۰ کیلومتری جنوب شرقی بغداد، واقع است.^۲ آب و هوای این استان، گرم و بیابانی است. در استان بصره بادهای موسمی متعددی می‌وزد که از نظر مبدأ، شدت وزش و دیگر ویژگی‌ها متفاوت هستند.^۳

وجه تسمیه

معنای لغوی «بصره»، زمین سخت، سنگلاخ و پر سنگریزه است. نام قدیمی آن منطقه، خریبه، تدمر و مؤتفکه بوده است. به کوفه و بصره، «عراقین» هم می‌گفتند. درباره‌ی واژه یا تسمیه آن نیز منابع کهن اختلاف نظر دارند.^۴ برخی بصره را در لغت به معنای زمین سخت یا سنگ سیاه یا سست دانسته‌اند؛ که به سفیدی می‌زند. برخی نیز آن را مأخوذ از فارسی و معرب «بس‌راه» دانسته‌اند؛ زیرا از بصره راه‌های متعددی منشعب می‌شده است.^۵ قبل از اسلام به آن منطقه «الیصیر» می‌گفتند. در زمان کلدانیان این شهر دارای نام‌هایی چون تدمر و تروم و ترون بود. این نام‌ها برگرفته از زبان آرامی‌هاست که کلدانیان بر این شهر نهادند. در عهد کورش، عجم به قصد نابودی دولت کلدانی به عراق حمله کرد و با تصرف شهرهای عراق، دولت کلدانی حاکم بر عراق

۱. فقیه بحرالعلوم، زیارتگاه‌های عراق (معرفی زیارتگاه‌های مشهور در کشور عراق)، ج ۲ ص ۱۷۳.

۲. همان.

۳. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۲۳۵.

۴. دانشنامه اسلامی، <https://wiki.ahlolbait.com>.

۵. ابن فقیه، مختصر کتاب البلدان، ص ۱۷۳.

فرو پاشید. عجم بعد از تسلط بر عراق نام جدید «هستاباد اردشیر» را بر این شهر نهاد. بعد از حمله عجم به عراق به دلیل نبود دولتی مستقل و تاخت و تاز فارس ها و دولت روم، خرابی کامل بر شهر استیلا یافت. از این رو، نام این شهر را «المؤتکفه» نهادند.^۱ قابل ذکر است هر چند معنای اصلی کلمه «عجم»، لکنت در زبان و غیر فصیح بودن است؛ در عین حال، این کلمه نزد اعراب، از عناوین ایرانیان است که گرچه عرب، آن را برای غیر عرب، از عرب، انتخاب کرده؛ مشخصاً آن را در مورد «ایرانیان» به کار برده است. بنابراین، کلمه «عجم» نیز مانند کلمه «فرس» در لغت عرب، یکی از عناوین مشهور ایرانیان است.^۲

تاریخ تاسیس

در منابع تاریخی، درباره تأسیس شهر بصره اجماع و اتفاقی وجود ندارد؛ اما می توان گفت تاریخ بنای این شهر بین سال های چهاردهم تا هجدهم هجری قمری بوده است.^۳ برخی از منابع معتقدند که بصره در سال ۱۴ هجری قمری در زمان عمر بن خطاب بنا شده و بنای آن شش ماه قبل از کوفه بوده است. مدتی نیز پایتخت امویان شد. لقب های «قبة الاسلام» و «خزانة العرب» نیز به آن داده اند.^۴

مکان های تاریخی - مذهبی بصره

الف) مرقد زید بن صوحان

این زیارتگاه، در منطقه «سیبه»، در جنوب بصره واقع است. زید بن صوحان عبدی، معروف به «زید الخیر»، از اصحاب خاص امام علی علیه السلام به شمار می آید.^۵ او از خاندان عبدالقیس

۱. سلطانی، تشیع بصره در قرون نخستین، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۱۱، ص ۸.

۲. هاشمی شهیدی، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه روایات.

۳. سلطانی، تشیع بصره در قرون نخستین، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۱۱، ص ۸.

۴. ابن سیده، المحکم والمحیط الأعظم، ج ۶، ص ۱۴۲.

۵. فقیه بحرالعلوم، زیارتگاه های عراق (معرفی زیارتگاه های مشهور در کشور عراق)، ج ۲ ص ۱۷۵.

(شاخه‌ای از قبیله ربیعیه) بود و سه برادر به نام‌های صعصعه، سیحان و عبدالله داشت که این‌ها نیز از یاران امام علی علیه السلام بودند.^۱

ب) مرقد علی بن یقطین

از زیارتگاه‌های شیعیان در بصره، زیارتگاه منسوب به علی بن یقطین، از اصحاب گرامی امام موسی کاظم علیه السلام است که در محله «سوق القطانه» این شهر قرار دارد.^۲

ج) مقام امام علی علیه السلام

این مقام که نزد شیعیان بصره به نام «خُطوه» (قدمگاه) امام علی علیه السلام، شناخته می‌شود؛ در محل مسجد جامع قدیم بصره، در شهر «زبیر» کنار جاده این شهر به بصره، قرار دارد. حضرت علی علیه السلام پس از پایان جنگ جمل، به این مسجد وارد شد و در آن، نماز اقامه کرد و خطبه‌ای برای مردم شهر خواند. همچنین گفته می‌شود که امام حسن علیه السلام به دستور امام علی علیه السلام، در زمان بازگشت از جنگ جمل، در این مسجد نماز خوانده است.^۳

د) مقام امام زین العابدین علیه السلام

این مقام، در محله «عشار» بصره قرار دارد و دارای گنبد است و در گذشته، قبرستانی اطراف آن وجود داشته است.^۴

ه) مقام حضرت مهدی علیه السلام

این مقام در محله «صبحه» کوچک، قرار دارد و نزد اهالی منطقه، به «خُطوه» (قدمگاه) حضرت مهدی علیه السلام شناخته می‌شود.^۵

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۷۶.

۳. همان، ص ۱۷۸.

۴. همان، ص ۱۸۰.

۵. همان، ص ۱۸۱.

و) مقام خضر نبی علیه السلام

در بصره، دو مقام منسوب به خضر علیه السلام وجود دارد که مقام اول در محله «صبخه» بزرگ واقع است و مقام دوم، در محله «نظران» قرار دارد و به نام «خضر ابوحدید» شناخته می‌شود.^۱

ز) مرقد صحابه و تابعین

شهر بصره همچنین محل دفن بعضی از اصحاب، مثل طلحه، زبیر، عتبه بن غزوان و عباس بن مرداس سلمی و برخی از تابعین مانند حسن بصری و محمد بن سیرین قرار دارد.^۲

بصره در روایات

در برخی از روایات، به خصوصیات شهر بصره و ویژگی‌های مردم بصره اشاره شده است. امام علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه با خطاب قرار دادن یکی از اصحابش به نام منذر، ضمن برشمردن نام‌های شهر بصره، به صفات و ویژگی‌های این شهر پرداخته است:

ای منذر! بصره در کتاب‌های [آسمانی] پیشین سه نام دیگر دارد که جز دانشمندان، کسی از آن آگاه نیست: تدمر، خدیبه، موتفکه ... ای اهالی بصره! خداوند برای هیچ سرزمینی از سرزمین‌های مسلمانان، چنین شرف و کرامتی قرار نداده، در حالی که این شرف و بزرگی را با منت خود به بصره داده است. شما راست‌قبله‌ترین هستید، قبله شما رو به مقام است؛ جایی که امام در مگه قیام می‌کند. قاری‌های شما، برترین قاریان هستند و پارسایان شما، پارساترین، عابدان شما، عابدترین و تاجران شما بهترین و درست‌کردارترین تاجران، صدقه‌دهندگان شما، برترین صدقه‌دهندگان هستند. ثروتمندان شما، بخشنده‌ترین و فروتن‌ترین مردمان، بزرگان شما، خوش‌اخلاق‌ترین و نیکوکردارترین مردمان هستند. شما کسانی هستید که کم‌ترین مشقت را بر همسایگان روا می‌دارید و در کارهای آن‌ها تجسس نمی‌کنید. شما مشتاق و پرتلاش‌ترین مردمان در

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۸۱-۲۱۳.

نماز جماعت هستید. میوه شما، بیشترین است و اموال شما بیشترین اموال، کودکان شما، زیرکترین کودکان و زنان شما، پرهیزکارترین و پاکترین زنان و در کار همسررداری، بهترین‌اند. خداوند آب را به تسخیر شما در آورده و شب و روز آن را برای آبادانی به کار می‌بندید. دریا باعث افزونی اموال شما می‌شود و اگر استقامت ورزید و شکیبیا باشید، درخت طوبا منزلگاه شما خواهد بود و بر سر شما سایه خواهند افکند.^۱

علامه مجلسی می‌گوید: این روایت را کمال الدین میثم بحرانی به صورت مرسل ذکر کرده است^۲ و ابن میثم نیز بیان نمی‌کند که متن مذکور، حدیث است یا برداشت خودش از عبارات امام. برداشت ناقلان از ابن میثم این است که وی متن روایت نقل می‌کند. در هر صورت، اگر متن روایت باشد نیز نمی‌تواند بدان اعتماد کرد؛ زیرا ابن میثم به سند آن اشاره‌ای نمی‌کند. به نظر می‌رسد این متن به تفسیری ناظر است که امیرالمؤمنین علیه السلام در ذیل خطبه ۴۳ نهج البلاغه در مذمت مردم بصره ایراد فرموده‌اند و این تردید را تقویت می‌کند که ابن میثم آن را حدیث پنداشته است؛ زیرا بدون سند و درست در ذیل روایتی است که به غرق شدن بصره اشاره می‌کند.^۳

ابوذر غفاری روایتی را نقل می‌کند که در آن روایت، حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله اهل بصره را «راست قبله‌ترین» مردم معرفی می‌فرماید و این که خداوند از آن‌ها هر ناخوشایندی را دور می‌کند.^۴

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۲۵۳.

۲. همان.

۳. بهاری، شیرینی، رضایی، اعتبار سنجی روایات آخر الزمانی مربوط به خسف شهر بصره، فصلنامه مشرق موعود، سال هفدهم، شماره ۶۶، ص ۱۲۸.

۴. احمد بن جعفر بن منادی، الملاحم، ص ۱۷۴.

بصره در آخر الزمان

الف) بصره و سفیانی

از روایات مربوط به سفیانی، این گونه برمی آید که او چندین بار وارد عراق می شود؛ اولین ورود او بسیار سریع و ناگهانی است و لشکریان او به غارت، چپاولگری، کشتار و هتک حرمت مردم اقدام می کنند. ابن حماد چنین آورده است: «سفیانی وارد کوفه می شود و سه روز به غارت و چپاول می پردازد و شصت هزار نفر از اهل بصره را به قتل می رساند و هجده شب در آن جا می ماند.»^۱

با توجه به کشته شدن شصت هزار تن در شهر بصره که غلو آمیز می نماید و این که این روایات عمدتاً در کتاب های اهل سنت آمده است، باید در پذیرش این روایات جانب احتیاط را رعایت کرد.

ب) خراب شدن بصره

در برخی از روایات به خراب شدن بصره به دست یکی از ذریه پیامبر ﷺ اشاره شده است.^۲ و این که آن شخص از گیلان قیام می کند و بصره را خراب و کوفه را آباد می کند.^۳ بعضی گفته اند که این حادثه واقع شده است و از حوادث گذشته محسوب می شود؛ چه آن که در سال ۲۵۵ هجری، سیدی از دودمان رسول خدا ﷺ به نام علی بن محمد، معروف به «صاحب زنج» قیام کرد و بصره را ویران کرد که جریان قیام او در کتاب های تاریخی آمده است.^۴

۱. نعیم ابن حماد، الفتن، ص ۱۸۷.

۲. حائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۱۹۱: «و خراب البصرة علی ید رجل من ذریک تبعه الزنج».

۳. همان، ج ۲، ص ۱۳۴: «ثم یقوم متا قائم بگیلان یعینه المشرقی فی دفع شیعة عثمان و یجیبه الأبر و الدیلم و یجدون منه النوال و النعم و ترفع لولدی النود و الرایات و یفرقها فی الأقطار و الحرمت و یأتی إلى البصرة و یخربها و یعمر الکوفة و یوربها...».

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۲۵، ۱۲۶.

البته این احتمال نیز وجود دارد که منظور از آن سید، سید دیگری غیر از صاحب زنج باشد؛ زیرا اولاً، بعضی از کسانی که شرح حال صاحب زنج را نوشته‌اند در صحت نسب او اظهار تردید کرده‌اند؛ و ثانیاً، چنان که در بعضی از روایات علائم ظهور آمده است، خراب شدن بصره به سقوط مصر، و قیام سیدی که پیش از ظهور، در ایران ظاهر می‌شود، مرتبط گردیده است.^۱

ج) بصره و دجال

در روایتی از رسول اکرم ﷺ، به فرار کردن مردم بصره از دجال و متفرق شدن آن‌ها اشاره شده است.^۲ امیر مومنان علیه السلام نیز در روایتی به ظهور دجالی از بصره اشاره فرموده‌اند و این که او پیش قراول همه دجال‌ها است^۳ و دجال اکبر اوست که یک چشمش ممسوح و چشم دیگر او در پیشانی‌اش قرار دارد^۴ و این، همان روایت طولانی است که ابن میثم بحرانی به صورت مرسل نقل کرده بود. در روایتی از امام صادق علیه السلام، مکان خروج دجال، ناحیه‌ای از بصره به نام «میسان» معرفی شده است.^۵

د) همزمانی خرابی بصره با خرابی مسجد برائا

امام علی علیه السلام پس از جنگ با نهروانیان و دیدار با حباب و خبر دادن از این که مسجد «برائا» ویران خواهد شد، به ساخت آن سفارش کرده و می‌فرماید: «کسی جز یک کافر آن را ویران نمی‌کند.» سپس می‌فرماید: «مردی از اهل کوهپایه‌ها وارد آن می‌شود و هیچ موجودی را زنده

۱. ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ حائری، الزام الناصب ج ۲، ص ۱۶ و نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۵.

۲. احمد بن جعفر بن منادی، الملاحم، ص ۲۲۳ و ۲۵۷.

۳. سید بن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۲۴۹: «و یرج دجال من دجلة البصرة، و لیس متی، و هو مقدمه الدجالین کلهم».

۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۲۵۵: «أَنْ یَسْتَحِلَّ بِهَا الدَّجَالُ الْأَكْبَرُ الْأَعْوَزُ الْمَمْسُوحُ الْعَيْنُ الْیَمَنِی».

۵. سید بن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۲۶۶: «ثم خروج الدجال من بعد ذلك یرج الدجال من میسان نواحي البصرة».

نمی‌گذارد. بر اهل آن خشمگین است و آن، هنگامی است که ویرانی‌ها، آباد و در آن، مسجد جامع ساخته شده است. در آن هنگام، نابودی بصره فرا رسیده است.»^۱

ها یاران امام زمان علیه السلام از بصره

برخی از احادیث بر این نکته دلالت دارد که اولین یار حضرت از بصره و آخرین آن‌ها از یمامه خواهد بود؛^۲ اما در برخی دیگر از احادیث آمده است که هیچ شهری نیست، جز این که گروهی از آن شهر همراه حضرت خارج می‌شود.

در برخی روایات، به تعداد یاران حضرت از هر شهر و سرزمین اشاره شده و در برخی دیگر از روایات به نام آن‌ها تصریح شده است. از امیرمؤمنان علیه السلام در خبری طولانی که در آن اصحاب قائم علیه السلام را ذکر می‌کند؛ آمده است که اولین آن‌ها از بصره و آخرین آن‌ها از ابدال است. از امام صادق علیه السلام در روایتی طولانی که نام یاران قائم علیه السلام را ذکر می‌کند، چنین آمده است: «و از بصره... احمد.»^۳

این روایت را مرحوم سیدبن طاووس از کتاب «فتن» ابو صالح السلیلی که از روات اهل سنت است، آورده و تصریح می‌کند که اگر مشکلی در این روایات هست، من به عهده نمی‌گیرم؛ زیرا من فقط چیزی را حکایت می‌کنم که به لفظ و معنا دریافتیم.^۴

از آن جا که از یک سو طبق این روایات، اولین یار امام از بصره و نام وی «احمد» است و از سوی دیگر، «احمد الحسن» نامش احمد و اهل بصره است، این روایات بر او انطباق می‌یابد؛

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۸: «و سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ السَّفْحِ لَا يَدْخُلُ بَلَدًا إِلَّا أَهْلَكَهُ وَ أَهْلَكَ أَهْلَهُ ثُمَّ لِيَعِدُ [لِيَعُودُ] عَلَيْهِمْ مَرَّةً أُخْرَى ثُمَّ يَأْخُذُهُمُ الْقَحْطُ وَ الْعَلَاءُ ثَلَاثَ سِنِينَ حَتَّى يَبْلُغَ بِهِمُ الْجَهْدُ ثُمَّ يَعُودُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ يَدْخُلُ الْبَصْرَةَ فَلَا يَدْعُ فِيهَا قَائِمَةً إِلَّا سَخَطَهَا وَ أَهْلَكَهَا وَ أَهْلَكَهَا وَ ذَلِكَ إِذَا عُمِرَتِ الْخَرْبَةُ وَ بُنِيَ فِيهَا مَسْجِدٌ جَامِعٌ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ هَلَاكُ الْبَصْرَةِ...».

۲. ابن طاووس، علی بن موسی، ملاحم و فتن، ص ۱۱۹.

۳. کاظمی، مصطفی، بشاره الإسلام، ص ۲۳۲.

۴. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی الملاحم و الفتن، ص ۲۱۶.

فلذا برخی از مبلغان احمد اسماعیل بصری با در کنار هم قرار دادن این دو روایت خواسته‌اند اثبات کنند که بر اساس حدیث نخست، اولین یار حضرت از بصره است و طبق حدیث دوم، نامش احمد است؛ پس او همان «احمد الحسن کذابی» است؛ لیکن باید توجه داشت که آن‌ها با تقطیع روایت، مخاطب را فریب داده‌اند؛ چرا که در ادامه روایت نخست که همان «خطبه البیان»^۱ است چنین آمده است: «کسانی که از بصره هستند، نامشان علی و محارب است».^{۲ و ۳}

با توجه به روایات یاد شده و ملاحظه خطبه امیر المؤمنین علیه السلام و مطالعه حوادثی که درباره بصره نقل شد، این نتیجه ملاحظه می‌شود که بیش‌تر روایاتی که در مورد (بصره) از پیشوایان معصوم علیهم السلام نقل شده، روایاتی است که بیش‌تر آن‌ها از وقایع آینده و حوادثی که در طول تاریخ در بصره روی می‌دهد؛ خبر داده و از معجزات ائمه معصوم علیهم السلام محسوب می‌شود، نه این‌که همه آن‌ها جزء علائم نزدیک ظهور باشد.

در عین حال، این نکته را نباید از نظر دور داشت که در بخشی از روایات، خصوصاً در روایاتی که از حرکت انقلابی ایرانیان پیش از ظهور مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام به رهبری سیدی جلیل‌القدر از دودمان اهل بیت علیهم السلام پیشگوئی شده است؛ پیشوایان معصوم علیهم السلام خراب شدن شهر بصره را یکی از علائم بسیار نزدیک به ظهور دانسته و به خصوص در چندین روایت، به این موضوع تصریح فرموده‌اند.^۴

۱. این خطبه به لحاظ اعتبار محل مناقشه فراوان و در منابع حدیثی شناخته شده شیعه نیامده است و حتی مرحوم مجلسی نیز که هدفش گردآوری متون روایی و تاریخی شیعه بوده، از آن یاد نکرده است (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، آئینه پژوهش، ج ۱۲۸، ص ۱).

۲. حائری، إلزام الناصب فی إثبات الحجج الغائب، ج ۲، ص ۱۷۴.

۳. آیتی، از تبار دجال، ص ۱۱۱.

۴. برای اطلاع بیش‌تر به کتاب إلزام الناصب ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۰؛ غیبت نعمانی ص ۲۷۵، طبع صدوق، باب ۱۴، حدیث

۵۵، وارشاد مفید ص ۳۶۱، طبع بیروت و ترجمه فارسی آن ج ۲، ص ۲۵۳، حدیث ۲۳ مراجعه فرمایید.

نتیجه‌گیری

از بررسی روایات آخر الزمانی در مورد شهر بصره، چند نکته برداشت می‌شود:

۱. با توجه به روایات موجود در منابع روایی شیعه و سنی، شهر بصره در آخر الزمان محل بروز حوادث و وقایع مهمی خواهد بود. لذا لازم است این روایات به لحاظ سندی و دلالتی، به دقت بررسی شوند. البته باید توجه داشت که بیش‌تر این روایات در کتاب الملاحم و الفتن سید بن طاووس آمده است و خود جناب سید نیز این روایات را از سه کتاب فتن ابن حماد، و فتن سلیلی و فتن زکریا بن یحیی نقل کرده که در اسناد این روایات خدشه وجود دارد.

۲. برخی از افراد با تقطیع روایات بصره، در استفاده از این روایات به نفع خود سعی و تلاش دارند که با دقت در صدر و ذیل روایات و ملاحظه تمام روایت، فریب آنان مشخص می‌شود؛ هر چند برخی از پژوهشگران معاصر به خوبی این روایات را بررسی و با دلایل کافی ادعای مدعیان دروغین را رد کرده‌اند.

۳. وجود آمار غلو آمیز در برخی روایات، ما را بر این می‌دارد که در پذیرش این گونه روایات

احتیاط کنیم.

منابع

۱. آیتی، نصرت الله، از تبار دجال، چاپ اول، موسسه آینده روشن، قم، ۱۳۹۳.
۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الاعظم، محقق: عبد الحمید هنداو، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۸۳.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، موسسه فرهنگی صاحب الامر علیه السلام، قم، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، چاپ ۵، انتشارات الشریف الرضی، قم، ۱۳۹۸ق.
۶. ابن فقیه، احمد، مختصر کتاب البلدان، بی تا، بیروت، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.
۷. ابن منادی، احمد بن جعفر، الملاحم، محقق: عبد الکریم عقیلی، دارالسیره، قم، ۱۴۱۸ق.
۸. بهاری، زهرا؛ شیرینی، راضیه؛ رضایی، علی، بررسی روایات آخر الزمانی مربوط به خسف شهر بصره، فصلنامه مشرق موعود، سال ۱۷، شماره ۶۶، بهار ۱۴۰۲.
۹. حائری، علی، الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب علیه السلام، محقق: علی عاشور، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۱۰. زین الدین، عبد الرسول، معجم البلدان عصر الظهور، مكتبة الآداب الشرقية، نجف الاشرف، ۱۴۳۰ق، ۲۰۰۹م.
۱۱. سلطانی، مصطفی، تشیع بصره در قرون نخستین، دانشگاه باقر العلوم، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۱۱، قم، مهر ۱۳۸۱.
۱۲. فقیه بحر العلوم، محمد مهدی و خامه یار، احمد، زیارتگاه های عراق، سازمان حج و زیارت، تهران، بی تا.

۱۳. کاظمی، سید مصطفی بن ابراهیم، **بشاره الإسلام**، محقق: نزار حسن، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷ش.
۱۴. کامل، سلیمان، **روزگار رهایی**، چاپ ۵، مترجم: علی اکبر مهدی پور، نشر آفاق، تهران، ۱۳۸۶.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، محقق: عبد الزهراء علوی و محمد باقر محمودی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۶. مرتضی الزبیدی، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، دار الهدایة، بیروت، ۱۳۸۵ق.
۱۷. مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، کتابخانه مدرسه فقاهاهت.
۱۸. دانشنامه اسلامی، <https://wiki.ahlolbait.com>